



۱۱

پیش به سوی استانبول از جاده شمال!

نگاهی به تدارك بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب جهان
برای برگزاری در فضای مجازی

کرونا دات نمایشگاه کتاب دات کام!

۱۰

چگونه و با تلاش چه کسانی خوشنویسی از کتابت قرآن

آغاز و به هنر تبدیل شد

قصه خوش خط



۱۲

فرهنگ

شنبه ۴ مرداد ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۱۴



۹

جام جم

رصدخانه



یادداشت:
سیدکریم محمدی
فعال فرهنگی واجتماعی

قتل در سالن تئاتر

روز جهانی لغوبرده‌داری را پشت
سر گذاشتیم در حالی که جهان
هنوز از این ننگ پاک نشده است

فکر می‌کرد جنگ تمام شده و آسوده در سالن تئاتری به تماشای نمایشی مشغول بود که از جنوب آمدند و او را کشتند. آبراهام لینکلن را می‌گوییم که سال ۱۸۵۶ رئیس‌جمهور ایالات متحده بود؛ ایالاتی که بخش جنوبی‌شان، کینه او را به دل داشتند چون علیه برده‌داری‌شان جنگیده بود. ایالات جنوبی آمریکا طرفدار برده‌داری بوده و حتی اعلام استقلال و خودمختاری کرده و ارتباط خود را با قدرت مرکزی و آمریکای شمالی قطع کرده بودند. به دنبال این رویداد، جنگ‌های بزرگ داخلی که به جنگ‌های انفصال شهرت یافت میان ایالات شمال و جنوب درگرفته بود. آبراهام لینکلن اما بعد از جنگ‌های طولانی با ایالات جنوبی و پیروزی بر آنان در سال ۱۸۵۳ اعلامیه‌ی الغای برده‌داری را انتشار داده بود.

تجارت برده‌داری اروپا از آفریقا نیز همواره به عنوان حرفه‌ای قانونی رسمیت داشت و برده‌داری به عنوان سیستمی اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شد. برده دستمزدی در ازای کار دریافت نمی‌کرد و حق کناره‌گیری نیز نداشت. از نظر تاریخی، یونان باستان پیشتاز تجارت برده‌داری بوده و امپراطور روم پدیده برده‌داری را به اوج رساند و تمام مردم سرزمینش را به برده تبدیل کرد. ضمناً کشورگشایی‌ها باعث شد ملت‌ها به بردگی درآیند تا این‌که تلاش‌ها برای لغو برده‌داری شروع شد. سال ۱۹۶۰ میلادی نخستین تاریخ لغو برده‌داری است اما سازمان ملل سال ۱۹۷۱ لغو برده‌داری را رسماً اعلام کرد.

زمانی بود که تاجار برده‌داری انگلیسی ۵۰ هزار برده را با ۲۰۰ کشتی در یک وعده برای فروش جابه‌جایی کردند. امروز جهان با وجود انتشار اعلامیه لغو برده‌داری با شکل نوینی از برده‌داری مواجه است. افتخار داریم که کشور ما ایران در تاریخ چند هزارساله خود هیچ‌وقت بنا بر برده‌داری نداشته و این پدیده شوم هیچ‌وقت در فرهنگ ما ایرانیان رسوخ نکرده است. ما جزو معدود کشورهایی هستیم که هرگز در طول تاریخ مستعمره هیچ ابرقدرتی نبوده‌ایم مگر در مواردی که برخی زمام‌داران نالایق و ناشایست برای حفظ تاج و تخت خود به جای استفاده از قدرت مردم در مواجهه با زورگویان غلام حلقه به گوش روس و انگلیس و آمریکا می‌شدند؛ البته آن را نیز نمی‌توان مستعمره بودن نام گذاشت. به امید روزی که تمام مظاهر برده‌داری و بردگی تحت هر عنوان و اشکال مختلف از جهان رفع شود.

به فارسی بخوانید

رمان «یک بخشش»

نویسنده: تونی موریسون

مترجم: علی قادری

ناشر: مروارید

ببینید

فیلم «لینکلن» ۲۰۱۲

کارگردان: استیون اسپیلبرگ

سینماها که تعطیل شوند، عادت سینما رفتن هم به کلی رخت بپوشاند / عکس: آرش پژوه



گزارش جام جم از آخرین تحولات در موسیقی، تئاتر و سینما در روزهایی که کرونا بی‌رحمانه می‌تازد

بن بست هنر، تقاطع دولت

در حالی که مسؤولان اراده‌ای برای تعطیلی هدفمند برنامه‌های هنری

در راستای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا یا حمایت از هنرمندان ندارند

هنرمندان به تعطیلی خود خواسته فعالیت‌های‌شان روی آورده‌اند



صابر محمدی
ادبیات و هنر

مرداد با خرداد چه فرقی دارد؟

لایدمی‌دانید که بسیاری از فعالیت‌های هنری چند ماه در تعطیلی کامل بودند. با پایین آمدن نسبی آمار ابتلا به ویروس کرونا و مرگ‌های ناشی از آن، و نیز پس از اعتراض هنرمندان به این‌که بسیاری از مشاغل پرخطرتر از برنامه‌های هنری هم آغاز به کار کرده‌اند اما همچنان سینماها و سالن‌های تئاتر و موسیقی تعطیل‌اند، برنامه‌ها دوباره راه افتادند. نکته عجیب در این میان این بود که با گسترش دوباره ویروس، نهاد‌های مرتبط، هیچ‌گاه به محدودیت‌های فروردین و اردیبهشت و خرداد بازنگشتند. این در حالی بود که می‌دانید حالا، وضع بسیار بدتر از آن ماه‌هاست و این را رکورد کشته‌شده‌های کرونا که هر روز جابه‌جا می‌شود می‌گویید نه ما. حتی اگر الان وضع بدتر هم نبود و مثل آن ماه‌ها بود، نباید مسؤولان محدودیت‌ها را بازمی‌گردانند؟

البته علاوه بر اعمال محدودیت‌هایی چون فروش بلیت برای نیمی از صندلی‌ها در سینما و سالن‌های تئاتر و موسیقی، ۲۳ تیرماه بود که اعلام شد به مدت یک هفته دوباره همه فعالیت‌ها باید متوقف بشود. عجیب‌تر اینجا بود که چنین اطلاعیه‌ای چندان جدی گرفته نشد و برخی مجموعه‌ها با اعمال محدودیت‌هایی به کار خود ادامه دادند. در این میان، فقط خود هنرمندان بودند که در مواردی، خودشان کار را تعطیل کردند. واقعا بن‌نگاه عجیبی است! دولت اراده‌ای برای تعطیلی مشاغل پرخطر ندارد و در این میان، این خود هنرمندان هستند که دلسوزانه کار را تعطیل می‌کنند. البته این را هم نگاشته نگذاریم که استقبال از این برنامه‌ها هم در پایین‌ترین سطح خود به سر می‌برد و چه بسا اگر هنرمندان هم به این تعطیلی خود خواسته تن ندهند، دخل و خرجشان با هم نخواند و اجراها، جز ضرر روی دستشان باقی نگذارد. چه می‌شود کرد؟

سالن‌های خلوت سینماها

روز بیست و سوم تیرماه با وجود آن‌که کمتر از یک ماه از بازگشایی سالن‌های سینما و تئاتر گذشته بود، خبر آمد که با توجه به وضعیت هشدار شهر تهران در پی بالا رفتن آمارهای مرتبط با ویروس کرونا، با اعلام

می‌کنند. هر چند نهایتاً این شورا در ۳۰ تیر اعلام کرد که با توقف اکران‌های پروانه موافق است.

موسیقی سکوت در سالن‌های کنسرت

در موسیقی اما شرایط به شکل دیگری دنبال شد و بلیت گران کنسرت‌ها باعث شد که برخی از خواننده‌ها نیز اجراهای خود را لغو کنند. اینجا هم مثل سینما و تئاتر، هنرمندان برای تعطیلی فعالیت‌های‌شان، خود دست به کار شدند، با این تفاوت که ادعای لغو کنسرت به خاطر حفاظت از جان مردم چندان نمی‌توانست اینجا کارآ باشد. چراکه کنسرت‌های موسیقی، بسیار بیشتر از اکران فیلم‌ها و اجرای نمایش‌ها با خلأ استقبال مخاطبان مواجه شده است. گرانی بلیت‌ها در شرایطی که مردم با وضع دشوار اقتصادی مواجه هستند و از سوی دیگر از تجمع در سالن‌های موسیقی، ولو با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، می‌ترسند، تیر خلاص به اقتصاد کنسرت‌های موسیقی بوده است.

حالا به نظر می‌رسد با توجه به این شرایط در موسیقی، دوباره فیل هنرمندان یاد هندوستان کنسرت‌های آنلاین کرده است. دیروز سالار عقیلی در حالی نخستین کنسرت آنلاین خود را با همکاری یکی از اپراتورهای تلفن همراه برگزار کرد که پیش از او، برگزاری کنسرت همایون شجریان با همکاری همین اپراتور با کاستی‌های متعددی روبه‌رو بود و تجربه تلخی به جای گذاشت. باید دید برگزارکننده‌های کنسرت‌های آنلاین می‌توانند خلأها را رفع و این شیوه جدید را جایگزین اجرا در سالن‌هایی با حضور تماشاگران کنند؟

بالاخره چه باید کرد؟

حالا جایی ایستاده‌ایم که واقعا نمی‌شود فهمید چه باید کرد. آیا با شیوع گسترده‌تر ویروس کرونا حتی نسبت به ماه‌هایی که همه فعالیت‌ها تعطیل بود، باید دوباره به تعطیلی‌ها تن داد؟ آیا باید کج‌دار و مریز و با رعایت حداکثری پروتکل‌های بهداشتی فعالیت‌ها را ادامه داد؟ در صورت اول، چگونه می‌توان خسارات مادی و حتی خسارات معنوی چون از دست رفتن عادت تماشای فیلم‌ها، نمایش‌ها و کنسرت‌ها را جبران کرد؟ در صورت دوم، چگونه می‌توان مخاطبان را از صیانت از جان‌شان مطمئن کرد و آنها را به سالن‌ها کشاند؟

برخی معتقدند به هر حال فعالیت‌های هنری، هیچ از رستوران‌ها و فروشگاه‌هایی که به فعالیت خود ادامه می‌دهند، خطرناک‌تر نیستند. واقعا چه باید کرد. به نظر می‌رسد در حالی که مسؤولان مرتبط با هنر، همان‌طور که از ارائه تسهیلات کارآمد به هنرمندان بی‌کارشده عاجزند، در ارائه راهکاری عملی نیز درمانده‌اند.

چه عنوانی می‌شود برای این روزهای بغرنج هنر و ادبیات در ایران انتخاب کرد؟ ویروس منحوس کرونا همه مسیرها را به بن بست عجیب منتهی کرده است. تقریباً همه مسیرهای ممکن برای سرپا نگهداشتن نیم‌بند فعالیت‌های هنری پیموده شده و پاسخ درخوری از هیچ‌یک از آنها عاید اقتصاد هنر نشده است. هم تعطیلی کامل را آزموده‌ایم، هم نیمه‌تعطیلی را، هم بازگشایی کامل را و هم سردرگمی بین همه اینها را. مجموعه‌های مختلف، پیش از شیوع دوباره ویروس، با مخایره آیین‌نامه‌هایی مبنی بر اجرای دقیق پروتکل‌های بهداشتی، شروع به کار کردند اما نتیجه آن قدر مایوس‌کننده بود که حالا با وجود مجوز نهاد‌های بهداشتی برای برپایی برنامه‌های هنری، این بار خود گروه‌ها و هنرمندان هستند که نمی‌خواهند پای کار بیایند. آنها این روزها یک‌یک به طی بیانیه‌هایی اعلام می‌کنند که به خاطر جلوگیری از شیوع ویروس و برای حفاظت از جان مردم، برنامه‌های‌شان را خود خواسته تعطیل می‌کنند. این در حالی است که می‌توانند با رعایت پروتکل‌های ایلای، کرکره را پایین ندهند و منتظر مشتری بمانند. اما قصه همین است. مشتری در کار نیست. این راه هم وضع گیشه سینماها در این مدت بازگشایی نشان داد و هم تعداد اسفناک مخاطبان سالن‌های تئاتر و نیز سالن‌های برگزاری کنسرت، واقعا چه می‌شود کرد؟ حقیقتاً در بن بست غریب گیر افتاده‌ایم. دولت کاری نمی‌تواند بکند، و هنرمندان هم هیچ راهی پیش روی‌شان نیست.

استانداری این سالن‌ها دوباره تعطیل می‌شوند البته به مدت یک هفته. نیمه خرداد بود که با کاهش آمار مبتلایان به کرونا در کشور، زمزمه بازگشایی سینماها به گوش می‌رسید و همین اتفاق هم افتاد و سینماها از اول تیرماه کار خود را با اکران دو فیلم آغاز کردند. روزهای نخست، اکران این فیلم‌ها با استقبال مناسبی مواجه شدند اما از آنجا که در دو هفته گذشته آمار مربوط به کرونا دوباره اوج گرفته بود، تعداد مخاطبان سینما نیز کاهش یافت و فیلم‌ها آن‌طور که انتظار می‌رفت نفروختند. در ادامه با به‌اتمام رسیدن

خودتعطیلی تئاتری‌ها



وضع در تئاتر نیز به همین منوال بود و اجراها با استقبال محدود روبه‌رو شدند که دلیل آن شیوع دوباره ویروس کرونا بود و اینجا هم تیم‌های اجراها یک‌یک به اعلام کردند نمی‌خواهند به کار ادامه دهند. در یک فقره، نمایش «پچه» به کارگردانی افسانه ماهیان که قرار بود از روز چهارشنبه اول مرداد در تالار چهارسو میزبان تماشاگران باشد، با تصمیم گروه اجرایی و موافقت مدیر مجموعه تئاتر شهر اجراهای خود را لغو کرد. این نمایش که شاید با بازی بازیگران شاخصی چون فاطمه معتمدآریا می‌توانست در همین شرایط سخت و بعد از پنج ماه توقف در تالار چهارسو هر شب چند نفری را به سالن چهارسو بکشانند، با تصمیم خود گروه اجرا تعطیل شد. گروه اجرایی نمایش بچه اعلام کرده بود با وجود همکاری مجموعه تئاتر شهر برای به صحنه بردن این اثر نمایشی در چارچوب رعایت حداکثری شیوه‌نامه‌های بهداشتی، فعلاً تصمیم بر این است تا با توجه به شرایط پیش آمده در افزایش شیوع ویروس کرونا، حفظ سلامت گروه، تماشاگران و نگرانی‌هایی که در این زمینه وجود دارد، این نمایش اجرا نشود. جدای از ماجرای این نمایش، تئاتری‌ها در کل خواستار این بوده‌اند که با توجه به فراهم نبودن شرایط برای کار، تمهیدات دیگری اندیشیده شود و مدیران تصمیم‌های منطق با شرایط خاص امروز اتخاذ کنند.